

# غزه: دیگر هرگز، اکنون است - درخواست ناامیدانه برای مداخله نظامی

«جرم نسل‌کشی تنها جرمی علیه یک قوم نیست - بلکه جرمی علیه بشریت است.»  
دبیرکل سازمان ملل متحد، 2004

وضعیت در غزه به نقطه‌ای بحرانی رسیده است که مداخله نظامی نه تنها از نظر قانونی مجاز است، بلکه طبق حقوق بین‌الملل الزامی است. محاصره مداوم اسرائیل و عملیات‌های نظامی آن فاجعه‌ای انسانی ایجاد کرده است، به طوری که دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) «ریسک قابل قبولی» برای نسل‌کشی شناسایی کرده است. دیپلماسی، تحریم‌ها و احکام قانونی نتوانسته‌اند رفتار اسرائیل را تغییر دهند، و مداخله نظامی تنها گزینه عملی برای جلوگیری از جنایات بیشتر باقی مانده است. این استدلال بر اساس تعهدات اسرائیل تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL)، احکام ICJ، وظیفه جلوگیری از نسل‌کشی، حق دفاع جمعی، دکترین مسئولیت حفاظت (R2P) و وضعیت قانونی آب‌های سرزمینی غزه استوار است. در حالی که اسرائیل و متحدانش - ایالات متحده، بریتانیا و آلمان - چنین اقدامی را محکوم خواهند کرد، حمایت روسیه و چین، همراه با روندهای جاری در ICJ، مسیری قانونی و ژئوپلیتیکی قوی فراهم می‌کند.

## تعهدات اسرائیل به عنوان نیروی اشغالگر

به عنوان نیروی اشغالگر در غزه، اسرائیل ملزم به رعایت کنوانسیون چهارم ژنو (1949) است که وظایف خاصی برای حفاظت از جمعیت غیرنظامی تحمیل می‌کند. ماده 55 کنوانسیون بیان می‌کند:

«قدرت اشغالگر موظف است تا حد کامل امکانات موجود، تأمین مواد غذایی و پزشکی برای جمعیت را تضمین کند؛ به ویژه باید مواد غذایی لازم، ذخایر پزشکی و سایر اقلام را وارد کند اگر منابع سرزمین اشغالی ناکافی باشد.»

محاصره اسرائیل، که غذا، تجهیزات پزشکی و ملزومات را محدود می‌کند، این تعهد را نقض می‌کند. پس از 143 روز محاصره، غزه تمام ذخایر خود را مصرف کرده و اکنون در مرحله 4 (اضطراری) / مرحله 5 (فاجعه‌بار) قحطی IPC قرار دارد. ناکامی اسرائیل در اجازه دادن به کمک‌های بشردوستانه طبق کنوانسیون ژنو، توجیه اساسی برای مداخله به منظور بازگرداندن دسترسی و حفاظت از غیرنظامیان فراهم می‌کند.

## نسل‌کشی تحت کنوانسیون: تخریب عمدی از طریق شرایط زندگی

کنوانسیون نسل‌کشی 1948، ماده دوم، بند ج، نسل‌کشی را به این صورت تعریف می‌کند:

«تحمیل عمدی شرایط زندگی به گروهی که برای تخریب فیزیکی کامل یا جزئی آن طراحی شده باشد.»

محاصره 143 روزه اسرائیل، ممنوعیت فعالیت آزانس آنروا و وابستگی به سیستم توزیع کمک مرگبار GHF، نمونه‌ای از این موضوع است. مرگ 1,021 نفر و زخمی شدن 6,511 نفر در نقاط توزیع، همراه با حمله ارتش اسرائیل در 20 ژوئیه 2025 به کاروان برنامه جهانی غذا - که منجر به کشته شدن 94 نفر و زخمی شدن 150 نفر شد - نشان‌دهنده قصد برای جلوگیری از بقا است. آسیب‌های غیرقابل بازگشت ناشی از قحطی مرحله 5 IPC، به‌ویژه برای کودکان، ماهیت نسل‌کشانه این شرایط را برجسته می‌کند.

## اقدامات موقت ICJ برای الزام به کمک‌های بشردوستانه

در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل (2024)، ICJ اقدامات موقت را در پاسخ به درخواست آفریقای جنوبی تحت کنوانسیون نسل‌کشی صادر کرد و «ریسک قابل قبول» نسل‌کشی در غزه را به دلیل عملیات‌های نظامی و محاصره اسرائیل شناسایی کرد. دادگاه به اسرائیل دستور داد:

«تمام اقدامات در توان خود را برای جلوگیری از ارتکاب تمام اعمال در حوزه ماده دوم [کنوانسیون نسل‌کشی] انجام دهد» و «ارائه خدمات اساسی و کمک‌های بشردوستانه فوری مورد نیاز را ممکن سازد.»

محدودیت مداوم کمک‌ها توسط اسرائیل و تشدید عملیات‌های نظامی نشان‌دهنده عدم رعایت این اقدامات الزام‌آور است. این نافرمانی مبنای قانونی برای مداخله نظامی به منظور اجرای حکم ICJ و تضمین دسترسی بشردوستانه فراهم می‌کند.

### حکم لگرانده: اقدامات موقت الزام‌آور هستند

ماهیت الزام‌آور اقدامات موقت ICJ در پرونده لگرانده (آلمان علیه ایالات متحده، 2001) تثبیت شد، جایی که دادگاه حکم داد:

«اقدامات موقت اعلام‌شده توسط دادگاه برای طرفین الزام‌آور است.»

ناکامی اسرائیل در رعایت اقدامات موقت 2024 نقض حقوق بین‌الملل است. سابقه لگرانده تأکید می‌کند که دولت‌ها نمی‌توانند دستورات ICJ را بدون عواقب نادیده بگیرند، که این امر مداخله نظامی را برای اجرای رعایت و حفاظت از جمعیت غزه توجیه می‌کند.

## بوسنی علیه صربستان: وظیفه جلوگیری از نسل‌کشی

تصمیم ICJ در پرونده بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو (2007) وظیفه‌ای روشن برای دولت‌ها تعیین می‌کند که در صورت آگاهی از خطر جدی نسل‌کشی اقدام کنند. دادگاه اظهار داشت:

«یک دولت... موظف است از تمام ابزارهای منطقی در دسترس خود برای جلوگیری از نسل‌کشی، تا جایی که ممکن است، استفاده کند، زمانی که از خطر جدی ارتکاب نسل‌کشی آگاه است.»

یافته ICJ مبنی بر «ریسک قابل قبول» نسل‌کشی در غزه این وظیفه را فعال می‌کند. زمانی که اقدامات غیرنظامی - دیپلماتی، تحریم‌ها و روندهای قانونی - ناکام می‌مانند، مداخله نظامی به یک گام قانونی و ضروری برای جلوگیری از نسل‌کشی تبدیل می‌شود، همان‌طور که حکم بوسنی ایجاب می‌کند.

## ماده 51 منشور سازمان ملل: دفاع جمعی

ماده 51 منشور سازمان ملل حق ذاتی دولت‌ها برای دفاع از خود، از جمله دفاع جمعی، را تأیید می‌کند و بیان می‌کند:

«هیچ چیز در این منشور نباید حق ذاتی دفاع فردی یا جمعی را در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل متحد مختل کند، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را انجام دهد.»

این حق به کشورهای عضو سازمان ملل محدود نیست و توسط سایر مفاد منشور محدود نمی‌شود. محاصره و عملیات‌های نظامی اسرائیل حمله مسلحانه مداومی علیه جمعیت غزه تشکیل می‌دهد. ماهیت ذاتی این حق به دولت‌ها اجازه می‌دهد که حتی بدون تأیید شورای امنیت سازمان ملل (UNSC)، به‌ویژه زمانی که شورا به دلیل وتوی ایالات متحده فلج شده است، به دفاع جمعی عمل کنند. این مسیر قانونی برای مداخله نظامی برای دفع اقدامات اسرائیل و حفاظت از غیرنظامیان فراهم می‌کند.

### به رسمیت شناختن فلسطین: تقویت ماده 51

وضعیت فلسطین استدلال برای دفاع جمعی را تقویت می‌کند. فلسطین، که توسط بیش از 140 کشور به رسمیت شناخته شده و در سال 2012 توسط مجمع عمومی سازمان ملل (قطعنامه 67/19) به عنوان دولت ناظر غیرعضو شناخته شده است، از به رسمیت شناختن گسترده اما ناقص بین‌المللی برخوردار است. حقوق بین‌الملل فاقد قانون قطعی در مورد دولت‌سازی است، طبق کنوانسیون مونته‌ویدئو (1933) که معیارهایی مانند سرزمین، جمعیت، دولت و ظرفیت روابط خارجی را فهرست می‌کند. به رسمیت شناختن فلسطین آن را به عنوان یک نهاد قانونی تحت حمله تأسیس می‌کند، که به سایر دولت‌ها اجازه می‌دهد دفاع جمعی را تحت ماده 51 به نمایندگی از آن، به‌ویژه با توجه به اقدامات غیرقانونی اسرائیل علیه غزه، اعمال کنند.

### مسئولیت حفاظت (R2P): مأموریتی برای اقدام

دکترین مسئولیت حفاظت (R2P)، که در سند نهایی اجلاس جهانی 2005 تأیید شده است، حمایت بیشتری برای مداخله فراهم می‌کند. این دکترین سه ستون را مشخص می‌کند: - ستون اول: «هر دولت به طور جداگانه مسئول حفاظت از جمعیت خود در برابر نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی قومی و جنایات علیه بشریت است.» - ستون دوم: «جامعه بین‌المللی مسئول تشویق و کمک به دولت‌های جداگانه در انجام این مسئولیت است.» - ستون سوم: «اگر دولتی به وضوح در حفاظت از جمعیت خود شکست بخورد، جامعه بین‌المللی باید آماده باشد تا اقدامات جمعی مناسب را انجام دهد.»

اسرائیل، به عنوان نیروی اشغالگر، در حفاظت از جمعیت غزه شکست خورده است (ستون اول). تلاش‌های بین‌المللی از طریق دیپلماسی و تحریم‌ها مسدود شده یا بی‌اثر بوده‌اند (ستون دوم)، که ستون سوم را فعال می‌کند، که شامل مداخله نظامی به عنوان پاسخی قانونی در زمانی است که دولتی به وضوح در حفاظت از جمعیت خود شکست می‌خورد. با توجه به فلج شدن شورای امنیت سازمان ملل، دولت‌ها مجاز به اقدام جمعی تحت R2P هستند.

### آب‌های سرزمینی غزه: بازگرداندن حقوق فلسطینیان

اسرائیل ادعای مالکیت بر غزه به عنوان قلمرو خود ندارد، که پیامدهای مهمی برای قانونی بودن مداخله نظامی در آب‌های سرزمینی غزه دارد. **کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریاها (UNCLOS)**، ماده 2، بیان می‌کند:

«حاکمیت یک دولت ساحلی، فراتر از قلمرو خشکی و آب‌های داخلی خود، به یک نوار مجاور از دریا، که به عنوان دریای سرزمینی توصیف می‌شود، گسترش می‌یابد.»

از آنجا که اسرائیل ادعای حاکمیت بر غزه را ندارد، هیچ مبنای قانونی برای کنترل آب‌های سرزمینی غزه (تا 12 مایل دریایی) یا اعمال محاصره در آن ندارد. نظر مشورتی ICJ در سال 2024 اشغال اسرائیل بر سرزمین‌های فلسطینی را غیرقانونی اعلام کرد، که ادعای آن برای کنترل آب‌های غزه را بیشتر تضعیف می‌کند. مداخله نظامی برای شکستن محاصره و تحویل کمک‌های بشردوستانه تجاوز سرزمینی علیه اسرائیل نیست، زیرا ادعای سرزمینی مشروعی را به چالش نمی‌کشد. در عوض، حقوق فلسطینیان به آب‌های سرزمینی خود را تحت حقوق بین‌الملل باز می‌گرداند، که آن را از تأیید شورای امنیت سازمان ملل تحت مفاد حفاظت از یکپارچگی سرزمینی معاف می‌کند.

### حادثه مدلین: دزدی دریایی در خدمت نسل‌کشی

یکی از واضح‌ترین نمایش‌های نیت اسرائیل برای وادار کردن غزه به تسلیم از طریق گرسنگی، دور از سواحل آن رخ داد. نیروهای دریایی اسرائیل کشتی مدلین، یک کشتی ناوگان آزادی با پرچم بریتانیا که حامل کمک‌های بشردوستانه بود، در بیش از 160 مایل دریایی از ساحل - در آب‌های بین‌المللی - رهگیری کردند. در این کشتی دوازده فعال غیرنظامی، از جمله گرتا تونبرگ و نماینده پارلمان اروپا، ریما حسان، حضور داشتند.

نیروهای اسرائیلی با زور به کشتی وارد شدند، فعالان را بازداشت کردند و تمام کمک‌ها را مصادره کردند - عملی که طبق ماده 101 کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریاها (UNCLOS) به عنوان دزدی دریایی تلقی می‌شود:

«هرگونه عمل غیرقانونی خشونت یا بازداشت، یا هرگونه عمل غارت، که برای مقاصد خصوصی توسط خدمه یا مسافران یک کشتی خصوصی... در دریای آزاد علیه کشتی دیگری انجام شود.»

این عمل تهاجمی یک حادثه منفرد نبود - تأییدی واضح از نیت اسرائیل برای مسدود کردن تمام کمک‌های بشردوستانه بود، حتی زمانی که از کشتی‌های شناخته‌شده بین‌المللی در آب‌های بی‌طرف می‌آیند. ربودن مدلین نه تنها حقوق دریایی بین‌المللی را نقض کرد، بلکه هدف واقعی محاصره را بیشتر اثبات کرد: محروم کردن 2 میلیون ساکن غزه از ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی.

با حمله به تلاش‌های بشردوستانه دور از حوزه صلاحیت ادعایی خود، اسرائیل محاصره را به عنوان یک اقدام امنیتی افشا کرد، بلکه به عنوان یک کمپین گرسنگی و ارباب. این حادثه بر فوریت مداخله نظامی برای بازگرداندن حقوق دریایی فلسطینیان و تضمین تحویل ایمن کمک‌های حیاتی تأکید می‌کند.

### حمایت ژئوپلیتیکی و استراتژی قانونی

هر مداخله نظامی برای شکستن محاصره اسرائیل بر غزه با مخالفت سیاسی شدیدی از سوی ایالات متحده، بریتانیا و آلمان مواجه خواهد شد. این کشورها به طور مداوم از اقدامات اسرائیل دفاع کرده و اقدامات پاسخگویی را در سازمان ملل

متحد مسدود کرده‌اند. با این حال، جریان جهانی در حال تغییر است. شدت بحران در غزه - و سرپیچی آشکار اسرائیل از حقوق بین‌الملل - فضایی برای ائتلاف جدیدی از دولت‌ها برای اقدام ایجاد کرده است.

روسیه و چین، اگرچه بعید است که تلاش نظامی را رهبری کنند، به طور علنی محاصره اسرائیل را محکوم کرده و از حقوق فلسطینیان در مجامع بین‌المللی حمایت کرده‌اند. هر دو دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل (UNSC) هستند و می‌توانند هر قطعنامه‌ای که با هدف جرم‌انگاری مداخله بشردوستانه باشد را مسدود کنند. این امر منعکس‌کننده همان پوشش سیاسی است که ایالات متحده در 21 ماه گذشته به اسرائیل ارائه داده است. پیشینه ژئوپلیتیکی روشن است: قدرت‌های وتو برای محافظت از متحدان استفاده می‌شوند، نه برای اجرای عدالت بی‌طرفانه.

دولت‌های مداخله‌کننده ممکن است با چالش‌های قانونی مواجه شوند، از جمله تلاش‌هایی برای به تصویر کشیدن چنین اقدامی به عنوان تجاوز غیرقانونی. با این حال، مبنای قانونی مداخله - در اقدامات موقت ICJ، کنوانسیون نسل‌کشی و دکترین مسئولیت حفاظت (R2P) - چنین چالش‌هایی را ضعیف و غیرقانع‌کننده می‌کند. ICJ قبلاً «ریسک قابل قبول نسل‌کشی» را در غزه یافته و به اسرائیل دستور داده است که اجازه کمک‌های بشردوستانه را بدهد. مداخله‌ای که برای اجرای این دستور طراحی شده است، نقض حقوق بین‌الملل نیست - بلکه اجرای آن است.

علاوه بر این، پرونده جاری نسل‌کشی ICJ علیه اسرائیل به احتمال زیاد نقض‌های جدی کنوانسیون نسل‌کشی را تأیید خواهد کرد، که هر مداخله‌ای با هدف توقف جنایات گسترده و بازگرداندن دسترسی بشردوستانه را بیشتر مشروع می‌کند. دولت‌هایی که اکنون اقدام کنند، نه تنها در سمت درست تاریخ خواهند بود - بلکه در سمت درست قانون نیز خواهند بود.

## نتیجه‌گیری: یک ضرورت قانونی و اخلاقی

حقوق بین‌الملل خواستار اقدام است زمانی که تهدید نسل‌کشی واقعی است - و در غزه، این تهدید دیگر نظری نیست. محاصره اسرائیل، در نقض کنوانسیون چهارم ژنو، و سرپیچی آشکار آن از اقدامات موقت الزام‌آور ICJ، چندین مبنای قانونی همپوشان برای مداخله نظامی فوری فراهم می‌کند.

ایالات متحده از قدرت وتوی خود برای محافظت از اسرائیل در برابر پاسخگویی استفاده کرده است. اکنون، روسیه و چین - هر دو حامی صریح حقوق فلسطینیان - می‌توانند با محافظت از هر ائتلاف بشردوستانه از تلافی شورای امنیت سازمان ملل، این لطف را جبران کنند. اقدامات موقت ICJ و نتیجه احتمالی پرونده جاری نسل‌کشی، چارچوب قانونی‌ای فراهم می‌کند که مداخله را مشروع کرده و به طور گذشته‌نگر توجیه می‌کند تا حقوق بین‌الملل را اجرا کرده و جان‌ها را نجات دهد. انتظار برای حکم نهایی نسل‌کشی قبل از اقدام، مانند درخواست از آتش‌نشانان است که منتظر گزارش آتش‌سوزی بمانند در حالی که خانه‌ای در حال سوختن است.

برای بسیاری در غزه، دیگر خیلی دیر شده است. اما بدترین حالت هنوز قابل پیشگیری است - اگر حتی تعداد کمی از دولت‌ها با شجاعت، قاطعیت و وجدان روشن عمل کنند.

اکنون زمان بیانیه‌های بیشتر نیست. زمان کشتی‌ها، کاروان‌ها و حفاظت است. اکنون زمان شکستن محاصره است.